

بررسی پیشینه ی تاریخی ابنیه سنتی ایران با مطالعه ی موردی "تکیه"

دکتر سید اصغر محمودآبادی

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات

سمیه بختیاری

چکیده

تکیه، مکانی با پایگاه معنوی- سنتی از دیرباز مورد توجه محققین بوده است. در حقیقت تکیه ها بعد از مساجد پایگاه معنوی مسلمانان به خصوص شیعیان به شمار می روند و از عناصر جدایی ناپذیر کالبد فیزیکی اغلب شهرها و روستاهای ایران می باشند. در ابتدا به محل تجمع صوفیان "تکیه" می گفتند و فضای آن را متناسب با کاربری آن می ساختند. با گسترش تشیع و زوال صوفی گرایی، این مکان برای برگزاری آیین نمایشی سوگواری و عزاداری امام حسین (ع) کاربری یافت و به مرکز تجمع همه ی قشرهای جامعه از هر گروه و صنفی تبدیل گشت. نظر به اهمیت این پایگاه معنوی-سنتی، این پژوهش به دنبال بررسی ابعاد مختلف چگونگی شکل گیری، تحول و کارکرد تکیه در ایران می باشد. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و بر اساس تحقیقات میدانی و کتابخانه ای صورت گرفته است.

کلید واژه ها: تکیه، سوگواری، حسینیه، تصوف، تشیع.

مقدمه

تکیه به عنوان یکی از کانون های عمده ی فرهنگی نقش اساسی در شهرها ایفا می کرده است و به فضاها و بناهایی گفته می شده که اهل تصوف و درویشان تا اواسط دوره صفوی و کمی بعد از آن برای اجرای آداب سماع، رقص و چرخش استفاده می کردند. همچنین تکیه علاوه بر محل گرد آمدن صوفیان و فتیان، نوعی مهمان پذیر بوده که مسافران و بیشتر اهل طریقت در آن می آسودند. پس از صفویه با گسترش تشیع و زوال صوفی گرایی تکیه ها رونق صوفیانه ی خود را از دست داد. با آمیخته شدن مذهب و تصوف، تکیه به دلیل فضا سازی ویژه ای که داشت برای برگزاری آیین های نمایشی شبیه خوانی مراسم عزاداری، کاربری یافت. از آن پس عزاداری و شبیه خوانی از فعالیت های عمومی و رایج در تکیه ها در ایام سوگواری، به ویژه در ایام دهه ی عاشورا بوده است. امروزه در بافت شهرهای سنتی ایران، تکیه جزء تفکیک ناپذیر مراکز محلات می باشد که در برهه های مختلف تاریخی کاربری های متفاوتی داشته است. سؤالات مطرح شده که مقاله حول محور آن تنظیم شده، عبارتند از:

-تکیه در دوره های مختلف تاریخی چه کاربری داشته است؟

-معماری تکیه با توجه به کاربری آن چگونه بوده است؟

-بانیان تکیه ها چه افراد، گروه ها یا تشکل هایی بودند؟ و انگیزه آن ها در ایجاد تکیه ها چه بوده است؟

تکیه ها در طول تاریخ مکانی خاص برای بودباش فقرا، بقاع مشایخ تصوف و سوگوارخانه بوده و معماری آن بر اساس شرایط زمانی، مکانی و اعتقادی متعدد و متفاوت می باشد. می توان گفت بانیان این پایگاه اجتماعی از میان تشکل های اجتماعی، مذهبی، صنفی و سیاسی بوده اند.

واژه شناسی

واژه ی تکیه یا تکیه (Tekye-Monastery) در فرهنگ ها و لغت نامه ها دارای معانی متعدد لغوی و اصطلاحی می باشد. معنای لغوی آن یله دادن، لمیدن، پشت دادن، پشتگرمی، اعتماد (انصاف پور، ۱۳۷۴: ج ۲/ ۲۳۳) و در اصطلاح دیر یا صومعه درویشان (شاردن، ۱۳۴۵، ج ۱/ ۴۷۳) سوگوارخانه، مکان بودباش فقرا، مکان گرد آمدن صوفیان، اقامتگاه موقت صوفیان در سفر، مهمان

پذیر رایگان در شهرهای زیارتی، بقاع مشایخ تصوف و عارفان و قدیسان، همچنین بنایی ویژه برای برگزاری آیین سوگواری شیعیان می‌باشد. این واژه در کاربرد مسلک تصوف و در متون عثمانی خانقاه، زاویه و رباط نیز آمده است. (کیانی، ۱۳۶۹: ۱۸۰-۱۸۱)

در ابتدا بنای تکیه را متناسب با اجرای مناسک اهل تصوف و درویشان و کاربری خانقاهی و آرامگاهی مشایخ می‌ساختند. پس از گسترش تشیع به دلیل بالا گرفتن منازعات فرقه‌ای و جنگ‌های حیدری-نعمتی و با توجه به سیاست‌های منفی سلاطین صفوی نسبت به صوفیان، این تکایا به تدریج رونق صوفیانه‌ی خود را از دست داد. (کیانی، ۱۳۶۹: ۲۶۴-۲۶۵) با زوال صوفی‌گرایی، تکیه به دلیل فضا سازی ویژه‌ای که داشت به مکانی خاص برای اجرای تعزیه سوگواری خاندان نبوت و ائمه اطهار(ع) تبدیل گشت.

در رابطه با این که از چه زمان از فضای تکیه برای برگزاری نمایش شبیه خوانی استفاده می‌شده است؛ به طور دقیق نمی‌توان اظهار نظر کرد. قدر مسلم پیشینه‌ی تاریخی عزاداری و نمایش مذهبی در ایران معطوف به شهادت جانسوز سید الشهداء امام حسین (ع) نیست و ریشه در مناسک آیینی ایران باستان دارد و مایه از اسطوره‌ها و افسانه‌های ایرانی گرفته است.

معماری تکیه

در گذشته تکیه توسط صوفیان و درویشان ساخته می‌شد؛ بنابر این فضا سازی داخل تکیه‌ها، پاسخگویی مناسب جهت کاربری آن چون مکان گرد آمدن صوفیان، اقامتگاه موقت صوفیان در سفر، مزار مشایخ صوفیه، مهمان پذیر رایگان در شهرهای زیارتی و به ویژه مکانی مناسب برای اجرای آداب مورد علاقه‌ی اهل تصوف "مراسم سماع و رقص‌های صوفیانه" بود. از این رو در نقشه ساختمان این تکیه‌ها، در وسط بنا سکوی نسبتاً وسیعی را برای رقص و چرخش و جست و خیز ایجاد می‌کردند و "کرسی یا تخت بند" قطب یا مرشد را برای تعلیم دادن مسائل تصوف در آن می‌گذاشتند. (ذکاء، ۱۳۴۹: ۲۸۳) کاربری تکیه به منظور "اقامتگاه موقت صوفیان در سفر موجب می‌گشت که دور محوطه تکیه را به صورت غرفه‌غرفه و همانند طرح کاروان سرا تعبیه کنند. توصیف سیاحان اروپایی از تکایای ایران، کاربری مهمان‌پذیری و اقامتگاه موقت صوفیان در سفر را بیشتر نمایان می‌سازد. «تکیه، گوشه یا کلبه ایست در زیر آسمان یا نوعی استراحتگاه در محلی دنج که تنها یا در مصاحبت دیگران برای رفع خستگی به آنجا می‌روند تا وقت خود را با کشیدن

چپق و قلیان و نوشیدن بگذرانند. از این تکیه ها در معابر و میدان های عمومی نیز دیده می شوند. مخارج ساختمان تکیه اندک است و بیشتر به خاطر درویش هایی که گدایی می کنند (۲) و شهرها و بیابانها را در می نوردند بر پا می شود.» (کمپفر، ۱۳۵۰: ۱۳۶)

چنانچه پیش از این گفته شد، پس از آمیخته شدن مذهب و تصوف و با توجه به تلاش بی وقفه ی پادشاهان صفوی برای کاستن قدرت تشکل های صوفی و همچنین افزایش نفوذ و اقتدار روحانیون شیعه و مخالفت آنان با صوفیگری، کاربرد تکیه ها در اجرای آداب عرفا و صوفیان از رونق افتاد. (کیانی، ۱۳۶۹: ۱۰۷) ولی همچنان مزار مشایخ صوفیه به تکیه تبدیل می گشت و این تکایا بعدها در صورت فراخ بودن برای برگزاری مراسم سوگواری استفاده می شد. در اواسط دوره ی صفوی و با گسترش تشیع، مفهوم تکیه در ایران به تدریج دگرگون شد. البته در برخی از شهرها مفهوم تکیه در قالب کاربری صوفیانه و مزار زاهدان و مشایخ صوفیه تا دوره ی قاجار همچنان ادامه داشت. از جمله تکیه چهل تنان و هفت تنان در شیراز، تکیه بابا رکن الدین در اصفهان. (پیرزاده نایینی، ۱۳۴۲: ج ۲ / ۷۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۱: ج ۱ / ۳۸۸؛ کیانی، ۱۳۶۹: ۲۱۳) در دوره ی قاجار با رونق تعزیه، تکیه در مفهوم جدید سوگوارخانه و محل برگزاری مراسم تعزیه امام حسین (ع) چنان فراگیر شد که دیگر اقامتگاه های صوفیان به ندرت به این نام خوانده می شد.

به طور کلی از دوره ی قاجار تا کنون، اصطلاح تکیه در ایران تنها به بناها و مکان هایی که تحت عنوان تکیه به صورت ثابت ساخته می شود، گفته نمی شود و در مورد هر جای دیگری که برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار گیرد، خواه در وسط چهارراههای شهر، خواه کاروانسراها و میادین که گنجایش چند صد تن را دارد، نیز بکار برده می شود. (چلکروسکی، ۱۳۶۷: الف، ۱۰۴-۱۰۵) بر این اساس می توان تکیه ها را به دو دسته تقسیم کرد: الف- تکیه های ثابت تعزیه خوانی؛ ب- تکیه های موقت.

الف- تکیه های ثابت تعزیه خوانی

این گونه تکایا، عموماً مکان های محصور هستند که اغلب ساده و دارای طرح و نقشه ی خاصی نیستند و فاقد تزئینات معماری می باشند و معمولاً در مسیر گذرگاههای اصلی شهرها قرار دارند و به طور خاص به منظور برگزاری مراسم سوگواری ایام محرم ساخته شده اند. برخی از محققین به این تکایای ثابت، مکانهای خاص می گویند که از اواخر دوره صفوی یا دوره ی زند به

بعد به منظور برگزاری مراسم ایام محرم ساخته شد. ساختمان این تکایا با شیوه ی تلفیقی معماری کاروان سرا، خانقاه، میدان و زورخانه ساخته شده اند. مانند: تکیه حاج میرزا آقاسی، تکیه معیرالممالک. (شهیدی، ۱۳۸۰: ۲۴۳-۲۴۵) بدیهی است تکیه هایی که در گذر اصلی شهر قرار نداشتند، در طول سال خالی و زباله دان اهالی بود و تنها در روزهای عزاداری امام حسین (ع) پاکسازی می شد. (مستوفی، ۱۳۷۱: ج ۱/ ۳۰۰)

کالبد اغلب تکیه ها به دو شکل مستطیلی و دایره ای ساخته می شدند. به طور کلی برخی از تکایای دایره ای شکل، سکویی در وسط بنا دارند که همواره نقش مهمی در اجرای صحنه های تعزیه ایفا می کرده است. مانند تکیه دولت. برخی از منابع و به خصوص سیاحانی که از بنای تکیه دولت در دوره ی قاجار دیدن کرده اند؛ معماری آن را متأثر از سفرهای ناصرالدین شاه به اروپا و تماشاخانه های اروپایی می دانند. «معماری که مأمور ساختن این "تکیه" می شود، بعد از سفر اول شاه به اروپا گویا برای ساختمان آن از طرح بنای "آلبرت هال" استفاده می کند.» (اورسل، ۱۳۵۳: ۱۶۰) البته سفرهای ناصرالدین شاه به اروپا، تأثیرات زیادی در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی داشت؛ اما توجه به این نکته که ساخت تکیه دولت از ۱۲۸۵ تا حدود ۱۲۹۰ ق به طول انجامیده و تاریخ اولین سفر ناصرالدین شاه به فرنگ ۱۲۹۶ ق و پس از ساخت تکیه دولت بوده، خود به خود تأثیرپذیری معماری تکیه همایونی از سبک اروپایی و شباهت آن به تماشاخانه های ورونا و آلبرت هال را رد می کند. همین طور باید پذیرفت که معماری تکیه دولت بر اساس تجربیاتی است که اجرا کنندگان و دست اندرکاران تعزیه خوانی ها و شبیه گردانی ها در تکیه های دیگر بدست آورده بودند. نیاز به بنایی با صحنه ای دایره ای شکل، با محوطه و فضایی وسیع با غرفه ها و حجره های چند طبقه ای با طاق نماها و گذرگاهی در دوردور صحنه برای اسب تازی و جنگ و نبرد، با در نظر گرفتن جایگاهی برای نشستن زنان و کودکان تماشاگر و ... منجر به ساختن تکیه ی دولت یا همایونی شد.

سکوی تکیه ها را به شکل های مختلف و مطابق با کالبد ساختمان می ساختند. از اشکال سکوها می توان سکوی گرد، نعل اسبی، سه گوش و متحرک، مربع، چند ضلعی، مستطیلی و سکوی قاب عکسی که در اواخر دوره ی پهلوی متداول شد؛ اشاره کرد. در اغلب تکیه های تفت در وسط آن، سکوهایی بنام کلک قرار دارد که آتشدانهای عهد هخامنشی و ساسانی واقع در هوای آزاد را در نظر مجسم می سازد. این سکوها عبارت است از پایه های هشت ضلعی به بلندی دو

متر که اضلاع آن را در دو طبقه طاقچه بندی کرده اند، و در وقت های سوگواری، شب هنگام چوبهای نیم سوز و شمع بر فراز سطح فوقانی و درون طاقچه های اطراف آن می گذارند و بدین وسیله سکو به صورت مشعل فروزان در می آید. (حقیقت، ۱۳۸۵: ۲۳۳) البته ممکن است برای آن سکویی در نظر نگرفته باشند، در این صورت فضای گسترده تری را به شبیه خوان ها اختصاص می دهند. بیشتر روی سقف آب انبارها یا روی حوض میان کاروانسراها را با تیر و الوار و تخته می پوشانیدند و روی آن تعزیه خوانی می کردند.

بدیهی است برخی از این تکایا با وجود چارچوب، همانند تکیه دولت عصر ناصری بی سقف هستند و اغلب سقف آن را متناسب با اقتضای فصل با چادرهای بزرگی می پوشانند. چادر تکیه ها از کرباس و متناسب با بزرگی فضای تکیه یا کاروانسرا، حیاط خانه و ... در چند قطعه می دوختند. پشت و روی چادرها را با تصاویر و نقش های گوناگون تزئین می کردند؛ برخی چادرها هم پرده هایی از وقایع کربلا را نشان می داد.

برای هر تکیه معمولاً چند مدخل در نظر گرفته می شود. مدخل هایی برای رفت و آمد تماشاگران و دو مدخل برای ورود و خروج دسته ها عزاداری و شبیه گردان ها.

ساختمان تکیه از نظر کالبدی مشابه ساختمان مسجد است. مصالح مورد استفاده در آن آجر، ملات آهکی و در برخی موارد بام سفالی است. تکیه ی امیر چنماق یزد، کف بنا چهار گوش یا هشت ضلعی است و دارای مناره و طاق نمابندی دو طبقه ای است. (مصطفوی، ۱۳۶۱: ج ۱/ ۳۸۶- ۳۸۷) در برخی تکیه ها در یک سمت حسینییه و در مقابل آن حیاط قرار دارد. برخی تکیه ها تنها یک تالار و برخی دیگر دارای غرفه ها و یکی دو اتاق هستند. کمتر پیش می آید تکیه ای را در دو طبقه بنا کنند؛ در این صورت معمار تکیه، تالار وسیع تری را برای شبیه خوانی در نظر می گیرد.

فضای داخلی بنای برخی تکیه اغلب به سه بخش یا صحن به هم پیوسته تقسیم می شد: صحن حسینییه، حیاط موسوم به صحن عباسیه، صحن های زینبیه. در صحن عباسیه مراسم عزاداری حضرت عباس و در صحن حسینییه مراسم عزاداری امام حسین (ع) و تعزیه خوانی برگزار می شد. صحن زینبیه اتاق های پشت حسینییه را در بر می گرفت. در برخی از شهرها صحن عباسیه و زینبیه را به صورت ساختمان های مستقل و جدا از حسینییه یا تکیه می ساختند.

(مصطفوی، ۱۳۷۱: ج ۲/ ۴۴۱)

برخی تکیه ها از لحاظ معماری درخور توجه اند. تکیه معاون الملک یکی از زیباترین و باشکوه ترین تکیه های ایران از حیث نقاشی و تصاویر و کاشی کاریهای بی نظیر در کرمانشاه که در واقع موزه کاشی ایران محسوب می شود. این تکیه مشتمل بر سه بنای حسینی، زینیه و عباسیه است و دو حیاط و یک عمارت در میان دارد. (خلج، ۱۳۶۴: ۴۰-۴۱) تکیه نیوران یا تکیه ی پایین حصار بوعلی به خاطر تابلوهای نقاشی محمد مدبر و محمد ارژنگی و تخت هشت ضلعی وسط آن و همچنین تکیه امامزاده قاسم با دیوار نگاره ی قولر آقاسی شهرت خاصی دارند. (ستوده، ۱۳۷۱: ج ۱/ ۲۷۶) در تکیه های شمال، تزئیناتی به صورت گچبری، خراطی، کنده کاری و نقاشی روی چوب دیده می شود. سقافارکیجا، تکیه بابل یکی از زیباترین تکیه های مازندران است که دیوارهای آن با نقوش انسانی شامل سربازانی با آلات جنگی و ادوات موسیقی و صحنه هایی از زندگی روستایی و همچنین نگاره های اساطیری و نقوش گیاهی و خطوط خوشنویسی تزئین شده است.

برخی از تکیه ها ویژگی بارزی به لحاظ کاربری داشتند. تکیه سادات اخوی که در آن برای پا گرفتن و رشد کودک شمع روشن می کردند و هر سال با قد کشیدن کودک، شمع بلندتری روشن می کردند. به طوری که باغچه ی این تکیه هر سال از شمع های قدی پر می شد. (مستوفی، ۱۳۷۱: ج ۱/ ۳۰۲) تکیه عزت الدوله، خواهر ناصرالدین شاه که مراسم تعزیه در آن اجرا می شد و به بانوان اختصاص داشت؛ و تکیه حاج میرزا آغاسی و تکیه دولت که محل برگزاری تعزیه های دولتی بود. (مستوفی، ۱۳۷۱: ج ۱/ ۲۹۹)

انواع تکیه های ثابت

۱- تکیه هایی که از دوره ی زند به خصوص دوره ی قاجار به منظور برگزاری مراسم عزاداری و تعزیه خوانی ساخته شده اند. معماری ساختمان این تکیه ها معمولاً ترکیبی از معماری کاروانسرا، خانقاه و زورخانه و متناسب با اجرای نمایش های آیینی تعزیه خوانی است. (شهیدی، ۱۳۸۰: ۲۴۵) مانند تکیه نصرالدین، تکیه حاج میرزا آقاسی. (نجمی، ۱۳۵۶: ۱۱۵)

۲- تکیه هایی که بانیان ساختمان آن گروه های قومی ساکن شهرها بوده اند. تکیه عربها، تکیه خلج ها، تکیه قفقازی ها.

- ۳- تکیه هایی که افراد گروه های صنفی- شغلی آنها را می ساختند. تکیه زرگرها، تکیه قاطرچی ها، تکیه مسگرها، تکیه گاوبندها، تکیه قلیان فروش ها.
- ۴- تکیه هایی که به نام بانیان، سازندگانشان که از رجال و ثروتمندان بوده اند؛ شهرت دارند. تکیه نوروز خان، تکیه سهراب خان، تکیه معتمدالدوله.
- ۵- تکیه هایی که به نام یکی از مأموران تشکیلات حکومتی خوانده می شده است. تکیه یاور توپخانه مبارکه، تکیه عابد میر غضب.
- ۶- تکیه هایی که به همت افراد خیری از حرفه های مختلف ساخته شده است. تکیه حاج محمد جعفر خباز، میرزا حسین حکیم باشی. (تقیان، ۱۳۷۴: ۲۷)
- ۷- تکیه هایی که به سبب مجاورت با زیارتگاه ها به نام آنها شناخته و معروف شده اند. تکیه چهل تن، تکیه هفت تن، تکیه امامزاده زید. (نوربخش، ۱۳۸۱: ج ۲/ ۱۲۸)
- ۸- تکیه هایی که به نام مسجد، مدرسه و حمام مجاور خود شهرت یافته است. تکیه درب مسجد حوض، تکیه مسجد جامع درب مدرسه، تکیه درب حمام.
- ۹- تکیه هایی که به سبب اهمیت و شهرت کارخان صنایع نظامی و صنعت چرم سازی در محل به نام آنها شناخته می شدند. تکیه غورخانه کهنه، تکیه زنبورکخانه، تکیه دباغخانه.
- ۱۰- تکیه هایی که به نام محله ها معروف شده بودند. تکیه پاچنار، تکیه پامنار، تکیه چال حصار. (تقیان، ۱۳۷۴: ۲۷)

ب- تکیه های موقت

این تکایا بیشتر بر گذرگاه ها و راه های رفت و آمد مردم ساخته می شوند و یا بناهایی که کاربری اصلی آن موارد دیگری به جز اجرای نمایشی عزاداری و برگزاری سوگواری ماه محرم به خصوص دهه ی عاشورا می باشد و تنها در ایام محرم شکل و شمایل تکیه به خود می گیرد. مانند آرامگاه ها، کاروانسراها، میدان ها، چهارسوها، قهوه خانه ها و خانه های بزرگ.

بدیهی است این تکایا عمدتاً به لحاظ موقعیت شهری جزئی از فضای اصلی و مهم شهری محسوب می شود و در طول سال محل کسب و کار و تردد مردم است. برخی از محققین به این تکایای موقت، مکان های عام (۳) می گویند. در این تکیه ها سعی می کنند دو مدخل برای رفت و آمد تماشاگران و عبور قافله ها و شبیه گردان ها و دسته های عزاداری تعبیه کنند. این تکیه ها را

معمولاً با پارچه های سیاه و سبز و کتیبه هایی از اشعار مذهبی و شعر عاشورای محترم کاشانی و غلّم و علامت و بیرق و توغ و شال کشمیری رنگارنگ می آریند. کف زمین آن را فرش می کنند و منبری چند پله در آن می گذارند. سقاخانه ی کوچک متحرکی نیز کنار در ورودی یا داخل تکیه قرار می دهند.

انواع تکیه های موقت

۱- آرامگاه ها: تکیه هایی که مزار عارفی و یا عالمی دینی و یا شاعری شیعی با مشرب صوفیگری بوده و در صحن یا حیاط و یا ایوان جلوی مقبره و پیرامون آن مراسم عزاداری ماه محرم بر پا می کرده اند. برخی از این تکایا به صورت آرامگاه های برج مانند با طرح چند ضلعی و گنبد های زک بنا شده اند؛ مانند تکیه بابا رکن الدین و برخی از آنها دارای تالار هستند با سقف صاف و یا گنبددار مانند تکیه لسان الارض، میر فندرسکی، میرزا رفیعا. طرح ساختمان بنا و به خصوص سقف آن مناسب حال آن شاعر یا عارف ساخته می شده است. «... تکیه بابا رکن الدین که چون او به عرفان و درویشی معروف است. تکیه او را هم مناسب حال او ساخته و عوض گنبد بر سر آن به شکل کلاه درویشی مخروط و با ترک ساخته اند.» (الاصفهان، ۱۳۶۸: ۱۰۸) در شیراز بقعه و آرامگاه هایی هستند که به نام تکیه خوانده می شوند. از جمله تکیه شاه دایی، تکیه هفت تنان، تکیه چهل تنان. (کیانی، ۱۳۶۹: ۲۱۳)

۲- کاروانسراها: از دیرباز محل مناسبی برای اجتماع دسته ها و برگزاری مراسم سوگواری ماه محرم بوده است. شکل این کاروانسراها مربع و مستطیلی و برخی از آنها چند ضلعی و مدور بوده است. در وسط برخی از کاروانسراها حوضی یا سقف آب انباری وجود داشت که در ماه محرم روی آن را با تخته و الوار می پوشانیدند و به صورت تکیه آذین می بستند. در پیرامون کاروانسراها حجره ها و پله هایی وجود داشت که تماشاگران به راحتی می توانستند شبیه خوانی و دسته های عزاداری را تماشا کنند. (شهیدی، ۱۳۸۰: ۱۷۵ و ۲۴۵؛ بیضایی، ۱۳۴۴: ۱۳۱) از جمله کاروانسرای ارمانه در بازار و کاروانسرای عباس شیشه در ضلع جنوب شرقی میدان نقش جهان بوده است.

۳- میدان ها: یکی از محل های مناسبی است که برای برگزاری مراسم مذهبی ایام محرم مورد استفاده قرار می گیرد. به خصوص برای برگزاری تعزیه های بزرگ و مفصل و دارای سیاهی لشکر.

۴-خانه های بزرگ: حیاط این گونه خانه ها محل مناسبی برای برگزاری مراسم سوگواری امام حسین (ع) است. شاهزادگان و رجال اعیان دوره ی قاجار محل سکونت خود را وقف تعزیه و روضه خوانی می کردند. به همین دلیل بسیاری از خانه های ایشان به نحوی ساخته می شد که بتوان با نصب چادر بزرگی در حیاط و پوشانیدن حوض وسط حیاط با تخت و الوار فضای مناسبی برای اجرای تعزیه فراهم کرد. (مستوفی، ۱۳۷۱: ج ۱/ ۲۹۹) ایشان معمولاً هر ساله حیاط خانه های خود را سیاه می بستند و چادر بر فراز آن می زدند. چارلز ویلس در کتاب تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه به تفصیل درباره ی مراسم روضه خوانی و شبیه خوانی که ظل السلطان در پای عمارت خود در اصفهان هر ساله در ماه محرم بر پا می کرده است؛ سخن می گوید. (ویلس، ۱۳۶۳: ۲۷۱)

بانیان تکیه ها

سازندگان و بانیان تکیه ها از میان رجال و شخصیت های سیاسی و اجتماعی و یا به طور کلی از میان عامه مردم و از قشرها و صنف های مختلف برخاسته بودند. در گذشته مریدان، درویشان و پیروان صوفیه برای اسکان و پذیرایی از فقیران و صوفیان دست به ساخت تکیه می زدند. پس از صفویه و افول صوفی گرایی، همانطور که پیش از این گفته شد تکایا به دلیل فضاسازی ویژه ای که داشت تبدیل به مکانی خاص برای برگزاری مراسم عزاداری امام حسین (ع) شد. از دوره زند و به خصوص دوره ی قاجار به بعد تکایای زیادی به این منظور ساخته شد. کنت دوگوبینو سیاستمدار و نویسنده ی فرانسوی که سه سال در زمان ناصرالدین شاه در ایران به سر برد، در مورد علاقه ی مردم به ساختن تکیه و شمار بسیار فراوان تکیه در تهران می نویسد: «نه تنها شاه و مستخدمان بزرگ دولت تکیه دارند، بلکه هر شخص ثروتمند، چه مستخدم دولت، چه تاجر صاحب تکیه ای است. این کار آنقدر مقدس است و اجر دارد که هر کس بدین سبب و بی تردید اندکی برای مفاخرهء دنیاوی نیز می کوشد تا از خیر و ثواب آن در دنیا و آخرت بهره مند گردد.» (گوبینو، ۱۳۶۷: ۱۸۳)

عصر اوج و شکوفایی تکیه سازی در دوره ی ناصری اتفاق افتاد با این وجود بیشتر تکیه ها پیش از سلطنت ناصرالدین شاه و در دوره ی سلطنت طولانی فتحعلی شاه و نوه اش محمد شاه از سال ۱۲۱۱ تا ۱۲۶۴ ه.ق ساخته شده بود. در دوره ی مظفری بسیاری از تکیه های دایر از رونق

افتاد و شمار آن تقلیل یافت. هر اندازه از عصر ناصری دور و به دوره ی پهلوی نزدیک می شویم از اهمیت تکیه کاسته می شود و نه تنها نکایای تازه ای احداث نمی گردد بلکه آن چه هم وجود داشته اندک اندک از میان می رود. (معتمدی، ۱۳۸۱: ۴۴۹)

تکیه ها را افراد خیراندیش و نیکوکار محلات برای تعزیه و اقامه سوگواری می ساختند. بعضی از تکیه ها معمولاً موقوفه هایی مانند زمین، باغ، دکان، حجره و تیمچه داشتند؛ که درآمد آنها و اعانه های مردم هزینه های تعمیر و نگهداری ساختمان تکیه ها و برگزاری مجالس روضه و تعزیه در آنها تأمین می شده است. «تکیه عباس آباد، به پلاک ۲۷۱۴ واقع در بخش ۸ (آخر بازار عباس آباد) که رقبات هفتگانه ذیل وقف بر تعزیه داری و مصارف تکیه مزبور و کلا واقع در بخش مذکور و واقف کلیه آنها حاج عباس است به سال ۱۲۰۷ قمری: ۱-۶. شش باب دکان به پلاک های ۲۷۱۵ تا ۲۷۲۰ و ۷ یک دانگ و نیم حمام به پلاک ۲۹۵۱ که فعلاً به صورت باغچه و قهوه خانه درآمد و به مساحت چهارصد متر مربع است.» (حسینی بلاغی، ۱۳۸۶: ۳۰۲) ولی اکثر تکیه ها بی موقوفه بود و اهل هر محل و گذر بنا به همت و کوشش و بزرگواری خودشان همه ساله در روزهای عزاداری تکیه راه می انداختند و نمی گذاشتند مراسم تعزیت و سوگواری تعطیل گردد.

تکیه دارای طاق نماهایی بود که یک نفر متصدی داشت و این متصدی می بایست تا زمانیکه تکیه دایر است از واردین پذیرایی کند. هزینه ی پذیرایی در طاق نماها را صاحب و مسؤل طاق نما، از کیسه ی فتوت خود می پرداخت. در بعضی از طاق نماهای بزرگ یک طاق نما را با آلات و ادوات درویشی از قبیل پوست، تخت و کشکول و من تشا و تسبیح زینت می دادند. (نجفی، ۱۳۵۶: ۱۱۵-۱۱۶)

تکیه از منظر اجتماعی-سیاسی

یکی از کانون های عمده ی فرهنگی تکیه هاست که برای نخستین بار در سده ی هشتم در عثمانی رایج شد و بانیان آن پیشوایان طریقت های صوفی و پیروان ایشان بودند. پیرزاده نائینی که در سده ی سیزدهم از استانبول دیدن کرده با اشاره به تعدد و رونق تکیه های این شهر، از دهها تکیه متعلق به طریقت های بکتاشیه، مولویه، قادریه، نقشبندیه، رفاعیه، خلوتیه، جَلویه و ... سخن گفته است. (پیرزاده نائینی، ۱۳۴۲: ج ۲/ ۱۲۰) قدر مسلم ایجاد مکانی برای بودباش فقرا و درویشان و مریدان، خود موجب افزایش پیروان آن طریقت می شده است. میر حیدر تونی پیشوای حیدریه،

شاخه ای از سلسله ی قلندریه، در شهرها تکیه می ساخت و درویشی از مریدان خود را در آن جا ساکن می کرد. (ابن کربلایی، ۱۳۴۹: ج ۱/ ۴۶۷) از آن جایی که بر موقوفات مالیاتی قرار نمی گرفت و وقف ملک تا حدی مانع دست اندازی حکومت به آن ملک می شد و به طور معمول خود بانی و صاحب ملک درآمد و مخارج ملک وقفی را زیر نظر داشت؛ املاک زیادی وقف تکایا می شد و درآمد شایانی نصیب این گونه بانیان می شد. از جمله نظراتی که در رابطه با چگونگی قدرت یابی خاندان شیخ صفی الدین اردبیلی مطرح است؛ به دست آوردن نفوذ و قدرت زیاد از این راه می باشد.

این تکایا در کنار و یا رو در روی حکومت اعلان وجود می کردند؛ به همین خاطر مورد توجه سلاطین و والیان حکومت بودند. این نهادها پایگاه قدرت و اعمال نفوذ شیوخ بود و پیروان زیادی داشت. پس از صفویه و گسترش تشیع اثنی عشری در ایران، سلاطین صفوی با اعمال سیاست هایی، تکیه های صوفیان را از رونق انداختند. پس از آن همان طور که پیش از این هم اشاره شد، تکیه ها به دلیل فضا سازی ویژه ای که داشت برای اجرای نمایشی مراسم عزاداری امام حسین (ع) کاربری یافت.

فلسفه ی سوگواری امام حسین (ع) همواره تداعی کننده ی مظلومیت او و ایستادگی اش در برابر حکومت جور و ظالم بوده است. شیعیان پیش از روی کار آمدن صفویان و رسمی شدن تشیع در ایران برای ابراز مخالفت خود با خلافت و دستگاه حاکمیت، برگزاری مراسم سوگواری سیدالشهدا را با جدیت دنبال می کردند. امرای آل بویه با برگزاری مراسم عزاداری حسین بن علی (ع) علاوه بر این که ارادت خود را به اهل بیت و خاندان نبوت ابراز می کردند؛ مخالفت و ضدیت آشکار خود را با دستگاه خلافت عباسی اعلام می کردند.

اجرای مراسم سوگواری دینی- سنتی با رسمیت یافتن مذهب شیعه در دوره ی صفویان شکل و ساختار منظم و سامان یافته ای پیدا کرد. چنانچه گفته شد در دوره ی زند این مراسم در تمامی نقاط ایران حتی جنوب ایران که اکثریت مردمانش سنی مذهب هستند؛ رایج بوده است. در دوره قاجار پادشاهان، مصرانه برگزاری باشکوه مراسم سوگواری ماه محرم را دنبال می کردند. «در غُره سال عرب که حساب تاریخ هجری را بران نهاده اند هر سال تا ده روز موسم این مقام کریمست که رجال دولت بیزوال بر حسب حکم شاهنشاه اسلام پناه ارواحنا فداء بر طبقات و طاقات انرا بالوان زجاجات و چراغهای بلورین و فنون نوادر اشیاء و امتعهء ثمین باراسته شعار

شریفه تشیع و مناسک موالات اهل بیت علیهم السلام با ازدحامی عام اقدام و اهتمام می نمایند.» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۶: ۵۸) همین طور کنده کاری های طاق بستان -تصویری از محمدعلی میرزا و فرزنداناش به همراه وقفنامه ای که تأکید شده به مصارف تعزیه و اطعام تکیه برسد- نشان دهنده ی توجه شایان پادشاهان و شاهزادگان قاجار به این مطلب می باشد. (خلج، ۱۳۶۴: ۳۳) تأثیر مراسم تعزیه به حدی بود که در پایان مراسم یکی از شبیه خوانها که غالباً از سادات بود، از والی وقت تقاضای عفو و بخشش زندانیانی را می نمود. حاکم وقت هم به احترام شهدای کربلا و معصومیت خاندان نبوت خواست مردم را اجابت می کرد. (خلج، ۱۳۸۱: ۳۵-۳۶) توجه پادشاهان قاجار به تعزیه و آیین نمایشی شبیه خوانی به رشد و ارتقاء سطح کیفی تکایای موجود و ساخت تکایای جدید انجامید. توجه و استقبال مردم از مراسم نمایشی ماه محرم دستاویزی برای هر بزرگ و صاحب مقامی در عوام فریبی و جلب قلوب مردم شد. این امر نه تنها بین شاهزادگان و درباریان و بزرگان بر سر برگزاری هر چه مجلل تر مراسم سوگواری ماه محرم رقابت ایجاد کرده بود بلکه «سفارتخانه های روس و انگلیس در ترتیب دادن مجلل ترین تکیه جهت مراسم سالانه محرم در تهران رقابت می کردند.» (چلکووسکی، ۱۳۶۷: ب، ۱۳)

بستن طاقنماهای موجود در تکیه ها به خصوص تکیه های دولتی، خود رقابت شایانی را بین بزرگان و صاحب منصبان ایجاد می کرد. چون افتخار بستن طاقنماها خود به خود نصیب نمی گردید. کسب اجازه از شاه و بدست آوردن بهترین طاق نما (مقابل یا در کنار جایگاه همایونی) و منتخر شدن به خلعت شاهانه ی طاقشال بستگی به آن داشت که آخرین پیشکش شب هشتم را بیشتر از سایرین تقدیم کرده باشد. (شهری، ۱۳۷۱: ج ۱/ ۱۱۲)

چنانچه پیش از این گفته شد دوره ی ناصری عصر شکوفایی و رونق تعزیه و شبیه خوانی و بازسازی تکیه ها بود. پس از دوره ی ناصری نه تنها عدم توجه مظفرالدین شاه و جانشینان او بلکه توجه مردم به مسائل سیاسی وقت و جریان مشروطیت وقفه ی کوتاهی را در توجه به تکیه ها ایجاد کرد و شمار تکایا کاهش یافت. با این وجود تکایایی همچون تکیه دولت در مرکز توجه قرار داشت و وقایع مهم سیاسی در آنجا صورت می گرفت. تشیع پیکر مظفرالدین شاه در سال ۱۳۲۴ه.ق (ناظم الاسلام، ۱۳۴۶: ج ۲/ ۶۲)، برگزاری نمایشگاه امتعه ی وطنی به کوشش رضاخان سردار سپه در سال ۱۳۰۲ه.ش (طهماسب، ۱۳۵۵: ۴۳۰) و تشکیل مجلس مؤسسان در ۱۵ آذر ماه ۱۳۰۴ و عزل احمد شاه و نصب سردار سپه به ریاست حکومت موقتی و سپس تفویض امر

سلطنت ایران به رضاشاه پهلوی (ذکاء، ۱۳۴۹: ۳۱۰) که یکی از مهمترین رویدادهای تاریخ معاصر است؛ در تکیه دولت به وقوع پیوست. پیش از آن نیز جلسه‌ی سنجش عیار سکه در دوره‌ی مسئولیت امین‌الضرب بر ضرابخانه (هدایت، ۱۳۴۳: ۸۶) و تشیع پیکر ناصرالدین شاه در ۱۳۱۳ ه.ق (ظهیرالدوله، ۱۳۵۱: ۳۵) صورت گرفته بود.

در دوره‌ی پهلوی اول، از مهمترین اقدامات رضاشاه در مخالفت با شعائر مذهبی، ایجاد ممنوعیت و محدودیت برای برگزاری مراسم سوگواری مذهبی بود. او که پیش از رسیدن به سلطنت در مراسم سوگواری ماه محرم شرکت می‌جست؛ پس از رسیدن به پادشاهی تغییر رویه داد. رضاخان شب عاشورا با پای برهنه و جمعی از همگنان با دسته‌های شمع، چهل و یک منبر را بر طبق سنت و عادات توده‌ی ملت طی کرده و کامل‌ترین مراسم مذهبی را بعمل آورده بودند. (بهار، ۱۳۷۱: ج ۲/ ۹۳) این حرکت تنها به خاطر فلسفه‌ی نهضت امام حسین (ع) مبنی بر مبارزه‌ی حق بر علیه باطل بود. علاقه به سیدالشهدا و اهل بیت از کودکی در اذهان مردم نهادینه شده بود و قدر مسلم این امر در مذاق ذهن دیکتاتوری رضاشاه خوش نمی‌آمد. البته نباید تب‌تند تجدد خواهان مبتلا به شبه مدرنیسم را نادیده گرفت و باید گفت پایبندی به مذهب و شریعت مانع مهمی در برابر این نوگرایان افراطی بود.

مخالفت و ضدیت با شعائر مذهبی و محدودیت در برگزاری مراسم سوگواری دینی تا سقوط رضاشاه ادامه داشت و با وجود ممنوعیت برگزاری مراسم سوگواری ماه محرم، مردم همچنان برگزاری مراسم را با جدیت دنبال می‌کردند.

در دوره‌ی پهلوی دوم در ابتدا محمدرضا شاه چندان تمایلی به ضدیت و مخالفت آشکار با شعائر دینی و مذهبی نداشت. ولی پس از کنار رفتن مشکلات جنگ جهانی دوم و نگرانی‌های حاصل از آن، با گرد آمدن مردم به حول محور روحانیت، به خصوص پس از بالا گرفتن غوغای نفت، او نیز همانند پدرش محدودیت‌هایی در برگزاری این تظاهرات دینی ایجاد کرد. در اواخر سلطنت پهلوی، فلسفه‌ی قیام امام حسین (ع) خود اهرمی پاینده و پیش‌برنده برای تظاهرات مردم در مقابل جور و ستم حکومت خودکامه بود. بنابراین باید گفت با وجود توجه و تظاهر پادشاهان قاجار و پیش از آن به مراسم سوگواری ماه محرم و ارتقاء آن در تکایا، تکیه نهادی مردمی است نه حکومتی.

نتیجه

تکیه در ابتدا به خانقاه درویش های خاکساریه گفته می شد و برای نخستین بار در سده هشتم هجری در سرزمین عثمانی رایج شد و به ایران راه یافت. شیوه ی زندگی در تکیه برای اهل تصوف عابدانه همراه با رهبانیت، عزلت و اعتکاف بود. به طور کلی مکانی خاص برای تجمع صوفیان، اقامتگاه موقت صوفیان و درویشان در سفر و محلی برای اجرای آداب سماع، رقص و چرخش صوفیانه بود. بنیان آن عمدتاً پیشوایان طریقت های صوفی و پیروان ایشان بود. در دوره صفویه پس از گسترش تشیع و زوال صوفی گرایی، تکیه ها در مفهومی جدید به دلیل فضا سازی ویژه ای که داشت به مکانی خاص برای برگزاری مراسم سوگواری امام حسین (ع) در ماه محرم تبدیل گشت. معماری تکیه متناسب با کاربری آن، چه اجرای آداب سماع، رقص و چرخش های صوفیانه و چه اجرای نمایشی عزاداری ساخته می شده است. تکیه ها از دوره ی قاجار تا کنون یکی از مراکز عمده ی فرهنگی است که نقش اساسی را در شهر ها ایفا می کرده است. از آن دوره تا کنون، اصطلاح تکیه در ایران تنها به بناها و مکان هایی که تحت عنوان تکیه به صورت ثابت ساخته می شود، گفته نمی شود و در مورد هر جای دیگری که برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار گیرد، خواه در وسط چهارراه های شهر، خواه کاروانسراها و میادین که گنجایش چند صد تن را دارد، نیز بکار برده می شود.

پی نوشت ها:

- ۱- نظریه کمپفر در مورد گدایی در اویش نظریه ی صحیحی نیست؛ چون هر ذهن معرفت جویی
- ۲- می تواند تفاوت بین درویش و گدا را تشخیص دهد.
- ۳- منظور از مکان های عام مکان هایی است که نقش و کارکردی عام دارند و مرکز تجمع و فعالیت های گوناگون و روزانه مردم می باشند. (شهیدی، ۱۳۸۰: ۲۴۵)

منابع و مأخذ

- ۱- الاصفهانی، محمد مهدی محمد رضا (۱۳۶۸): نصف جهان فی تعریف الاصفهان، بتصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم.
- ۲- ابن کربلایی، حافظ حسین (۱۳۴۹): روضات الجنان و جنان الجنان، ج ۱ و ۲، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- 3- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۰۶ ه. ق): المآثر و الآثار، تهران، کتابخانه سنایی.
- 4- انصاف پور، غلام رضا (۱۳۷۴): کامل فرهنگ فارسی، ج ۲، تهران، زوار.
- 5- اورسل، ارنست (۱۳۵۳): سفرنامه اورسل، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، زوار.
- 6- بهار، محمد تقی (۱۳۷۱): تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم.
- 7- بیضایی، بهرام (۱۳۴۴): نمایش در ایران، تهران، بی جا.
- 8- پیرزاده نایینی، محمد علی بن محمد اسماعیل (۱۳۴۲): سفر نامه حاجی پیرزاده، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، ج ۲، تهران، دانشگاه تهران.
- 9- تقیان، لاله (۱۳۷۴): درباره تعزیه و تئاتر، تهران، مرکز.
- 10- تیک چند بهار، لاله (۱۳۸۰): بهار عجم، تصحیح کاظم دزفولیان، ج ۱، تهران، طلایه.
- 11- چلکووسکی، پتر جی (۱۳۶۷): الف تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، ترجمه داوود حاتمی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- 12- چلکووسکی، پتر جی (۱۳۶۷): ب تعزیه "نیایش و نمایش در ایران"، ترجمه داوود حاتمی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- 13- چهاردهی، نورالدین (۱۳۶۸): خاکسار و اهل حق، تهران، اشراقی.
- 14- حسینی بلاغی، عبدالحججه (۱۳۸۶): گزیدهء تاریخ ایران، تهران، مازیار.
- 15- حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۸۵): تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان (از مانی تا کمال الملک)، ج ۱، تهران، کومش، چاپ دوم.
- 16- خلیج، منصور (۱۳۸۱): نمایشنامه نویسان ایران ۱ (از میرزا فتحعلی آخوندزاده تا بهرام بیضایی)، تهران، اختران.
- 17- خلیج، منصور (۱۳۶۴): تاریخچه نمایش در باختران، تهران، مؤلف.
- 18- ذکاء، یحیی (۱۳۴۹): تاریخچه ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان، تهران، انجمن آثار ملی.
- 19- ستوده، منوچهر (۱۳۷۱): جغرافیای تاریخی شمیران، ج ۱، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- 20- شاردن، ژان (۱۳۴۵): سیاحتنامه، ترجمه محمد عباسی، ج ۱، تهران، امیرکبیر.
- 21- شهری، جعفر (۱۳۷۱): طهران قدیم، ج ۱، تهران، معین، چاپ دوم.

- ۲۲- شهیدی، عنایت الله (۱۳۸۰): پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی، با همکاری ویرایش و نظارت علمی علی بلوکباشی، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی با همکاری کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
- ۲۳- ضرابی، عبدالرحیم کلانتر (۱۳۴۱): تاریخ کاشان، بکوشش ایرج افشار، تهران، فرهنگ ایران زمین، چاپ دوم.
- ۲۴- طهماسب، عبدالله (۱۳۵۵): تاریخ شاهنشاهی اعلیحضرت رضا شاه کبیر، تهران، دانشگاه تهران.
- ۲۵- ظهیرالدوله، علی بن محمد ناصر (۱۳۵۱): خاطرات و اسناد ظهیرالدوله، بکوشش ایرج افشار، تهران، فرانکلین.
- ۲۶- کاشفی، حسین بن علی (۱۳۵۰): فتوت نامه سلطانی، باهتمام محمد جعفر محجوب، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- ۲۷- کمپفر، انگلبرت (۱۳۵۰): در دربار شاهنشاه ایران، ترجمه کیکاووس جهانداری، طهران، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
- ۲۸- کیانی، محسن (۱۳۶۹): تاریخ خانقاه در ایران، تهران، طهوری.
- ۲۹- گوینو، ژوزف آرتور دو (۱۳۶۷): سفرنامه کنت دو گوینو، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، کتابسرا.
- ۳۰- عادل، حاداد (۱۳۸۳): دانشنامه جهان اسلام، ج ۸، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- ۳۱- عدنانی، محمد (۱۹۹۳): معجم الاخطاء الشایعه معجم یعالج الاخطاء اللغویه... و الامثله، لبنان، مکتبه لبنان ناشرون.
- ۳۲- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱): شرح زندگانی من، ج ۱، تهران، زوار، چاپ سوم.
- ۳۳- مشکوه کرمانی، احمد (۱۳۵۸): تاریخ تشیع در ایران، تهران، مشکوه.
- ۳۴- مصطفوی، محمدتقی (۱۳۶۱): آثار تاریخی طهران، تنظیم و تصحیح میر هاشم محدث، ج ۱، تهران، انجمن آثار ملی.
- ۳۵- معتمدی، محسن (۱۳۸۱): جغرافیای تاریخی تهران، تهران، مرکز نشر دانشگاهی تهران.
- ۳۶- موسوی بجنوردی، کاظم (۱۳۸۷): دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، تهران، مرکز دایره المعارف اسلامی.

- ۳۷- ناظم الاسلام کرمانی، محمد بن علی (۱۳۴۶): تاریخ بیداری ایرانیان، بکوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، ج ۲، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- ۳۸- نجمی، ناصر (۱۳۵۶): دارالخلافه طهران، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم.
- ۳۹- نوریخس، مسعود (۱۳۸۱): تهران به روایت تاریخ، ج ۲، تهران، علم.
- ۴۰- ویلس، چارلز جیمز (1363): تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، ترجمه سید عبدالله، مصحح جمشید کیانفر و مهرداد نیکنام، تهران، زرین.
- ۴۱- هدایت، مهدیقلی (۱۳۴۳): خاطرات و خطرات، تهران، زوار.
- ۴۲- همایونی، صادق (۱۳۸۰): تعزیه در ایران، شیراز، نوید ایران.